

نگاهی آسیب شناسانه به افزایش تمایل دانش آموزان

به رشته تجربی که با واقعیت های جامعه همخوانی ندارد

رؤیای طبابت سودای ثروت

گزارش روز



فاطمه قاضی

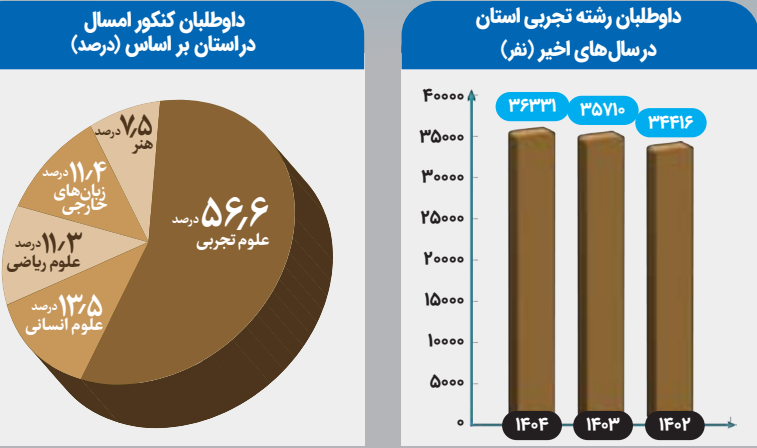
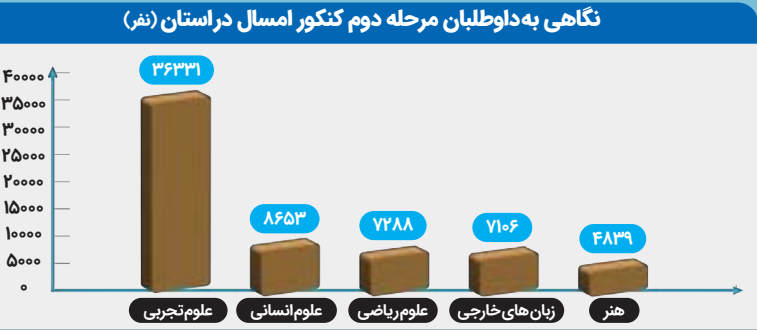
از همان کودکی آن قدر در گوشش خواندند،برایش رؤیا یافتندودر همان رؤیاها،روپوش سفید پزشکی بر تنش کردند که وقتی معلم روی تخته سیاه از آینده شغلی اش پرسید،آرزوهای بزرگ سالی را در هوای کودکانه هاشور کشیدود«دکتر» شدن راانشا کرد. حالاسال هااز آن زمان می گذردوپزشک شدن برای او،رؤیایی است که دست کم در سه سال اخیر،شب وروزش را برای واقعی شدنش یکی کرده و تا توانسته،این رؤیا رالای کتاب های تلنبار شده زیست وشیمی روی میزش ،ورق زده است اما گاهی ترسی از ناکجا به دلش رخنه می کند؛انگار که اگر آن آرزو بر پا دبرود،نه فقط رؤیا های کودکی بلکه هویت تمام سال های نوجوانی وجوانی اش دچار خدشه خواهد شد. مثل او، هزاران هزار دانش آموز دیگر در خراسان رضوی و صدها هزار نفر در سراسر کشور، بار سنگین این رؤیای پزشکی را به دوش می کشند. این عطش جمعی برای پوشیدن روپوش سفید، حالا به آمار خشک و صریحی تبدیل شده است: رقابت ۳۶هزارو ۳۳۱ داوطلب فقط در گروه علوم تجربی استان، آن قدر پر زنگ است که انگار آرزوی پزشک شدن دیگر یک انتخاب نیست، یک مطالبه عمومی است. این میل و گرایش در خراسان رضوی زمانی بیشتر جلب توجه می کند که بدانیم داوطلبان رشته تجربی در کشور به طور میانگین حدود ۴۸٫۵ درصد متقاضیان را تشکیل می دهند اما این رقم در خراسان رضوی به ۵۶٫۷ درصد می رسد. اما آیا این گرایش انبوه، همیشه به معنا و مقصدی روشن ختم می شود یا باید نگران چالش های پنهانی بود که در سایه این موج پرتب و تاب، آینده آموزش عالی و اشتغال را تهدید می کند؟

مسیر تک بعدی موفقیت در اذهان عمومی

در ذهن بسیاری از افراد جامعه، پزشکی مترادف با موفقیت، اعتبار اجتماعی و درآمد خوب تعریف می شود؛ نمونه اش مادر یک دختر کنکوری است که خودش ماجرای انتخاب رشته سمانه را این طور شرح می دهد: «دخترم عاشق نقاشیه اما هنر که نون آب نمی شه؛ مطمئتم بعدا که سمانه درسش تموم و دکتر بشه، آزمون تشکر هم می کنه».

باآرین نوزده ساله که تجربه شکست خورده ای از کنکور تجربی پارسالش دارد و امسال دوباره «خودم به رشته انسانی علاقه دارم، ولی می گن بازار کار خوبی نداره؛ برای همین رفتم سراغ تجربی که وضعیتش بهتره و امیدوارم امسال بتونم قبول بشم».

آمار ثبت نام کنکور ۱۴۰۴ در خراسان رضوی، تصویری گویا از یک ناهمترای عمیق در نظام آموزشی کشور ارائه می دهد. از ۶۴هزار داوطلب استان، ۳۶ هزارو ۳۳۱ نفر درگروه علوم تجربی ثبت نام کرده اند. این یعنی حدود ۵۶ درصد، موفقیت خود را فقط در قبولی در رشته های تجربی می دانند. درمقابل، داوطلبان علوم انسانی با ۸هزارو ۶۵۳ نفر(۱۳/۵ درصد)، رشته ریاضی با ۷ هزارو ۲۸۸ داوطلب (۱۱/۳ درصد) زبان های خارجی با ۷ هزارو ۶۰۳ نفر(۱۱/۱ درصد) و هنر با ۴ هزارو ۸۳۹ نفر(۷/۵ درصد) به نوعی متقاضیان کمتری نسبت به رشته تجربی دارند. این آمار نه تنها نشان دهنده یک ترجیح تحصیلی است، که از یک «بحران



لزوم بازنگری در نظام آموزشی

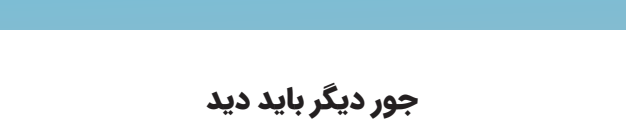
دکتر غلامرضا حسنی درمیان، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، از منظر جامعه شناسی به این موضوع نگاه می کند و می گوید: تمایل بیشتر دانش آموزان به رشته تجربی و رشته های پزشکی، درواقع تابعی از فضای کلی کشور است. او تأکید می کند که میل گسترده به رشته های پزشکی، ریشه در ایجاد اقتصادی واجتماعی دارد؛ زیرا جامعه مشاغل این حوزه را با نیاز بیشتر، امنیت شغلی بهتر و آینده روشن تری تصور می کند. همین تصویر ذهنی، انگیزش بسیاری را برای انتخاب رشته های تجربی شکل می دهد.

به باور دکتر حسنی، نظام آموزش —آموزش و پ—رورش باید در استعدادسنجی دانش آموزان با دقت بیشتری عمل کند. صرف توجه به درآمدزایی، نمی تواند معیار مناسبی برای انتخاب رشته باشد. لازم است علایق فردی، ویژگی های شخصیتی، توان بالقوه، شرایط اجتماعی و نیازهای ملی، هم زمان مدنظر قرار گیرد.

اوبیان می کند:روان شناسی رشته ها و شناخت جامع از نیازهای کشور، موجب می شود انتخاب های تحصیلی نه فقط براساس سود شخصی، بلکه با نگاه ملی صورت گیرد. او بیان می کند:روان شناسی رشته ها و شناخت جامع از نیازهای کشور، موجب می شود انتخاب های تحصیلی نه فقط براساس سود شخصی، بلکه با نگاه ملی صورت گیرد.

حسنی به ضرورت نیازسنجی دقیق از رشته های موردنیاز در استان هم اشاره می کند و معتقد است که سیستم های آموزشی نظام مند با نگرش سیستماتیک، برنامه های تحصیلی را مطابق با نیاز جامعه سامان می دهند.

از فشارهای خانواده تا پروپاگاندا؛ جامعه این جامعه شناس بر تأثیرگذاری نقش خانواده ها تأکید می کند و می گوید: در بسیاری مواقع، انتخاب رشته دانش آموز براساس علایقش نیست، بلکه او با فشار خانواده و جامعه به سوی رشته تجربی سوق داده می شود. حتی اگر دانش آموز علاقه مند به هنر یا علوم انسانی باشد، تصور عمومی از پزشکی به عنوان یک مسیر موفق، او را از علایقش دور می کند. او هشدار می دهد که این نگرش اقتصادی – که بخشی از آن حاصل



گرایش فزاینده دانش آموزان به رشته های علوم تجربی و رؤیای پزشک شدن، بیش از آنکه انتخابی آگاهانه باشد، محصول فشارهای اجتماعی، تبلیغات اغراق آمیز و نگاه تک بعدی به موفقیت است و گویی به مطالبه ای جمعی تبدیل شده است؛ مطالبه ای که برخاسته از تصورات رایج جامعه درباره موفقیت، درآمد عالی و شأن اجتماعی پزشکان است. آمار کنکور امسال در خراسان رضوی نشان می دهد که بیش از نیمی از داوطلبان، تنها یک مسیر را برای آینده خود می پندارند و ادامه این مسیر در آینده، جامعه را با موجی از پزشکان بیکار واستعدادهای سرکوب شده در سایر رشته ها

یادداشت

ریشه ها و راهکارهای یک انتخاب ناهمگون

دکتر رضا فاضالی، دکتری برنامه ریزی تحصیلی و مشاور انتخاب رشته

در سال های اخیر، شاهد افزایش چشمگیر تمایل دانش آموزان به رشته پزشکی بوده ایم؛ علاقه ای که اغلب نه از دل اشتیاق شخصی، بلکه برآمده از فشارهای خانوادگی، باورهای اجتماعی و تصور آینده ای امن تر شکل گرفته است. به طور کلی، می توان گفت تمایل دانش آموزان به رشته پزشکی در ایران، ترکیبی از علاقه (که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل بیرونی واجتماعی شکل گرفته است) و فشار مستقیم یا غیرمستقیم والدین است. این فشار والدین به قدری قوی است که گاهی اوقات دانش آموزان باوجود نداشتن علاقه واقعی یا استعداد کافی، وارد این رشته می شوند که می تواند پیامدهای منفی برای خود فرد و جامعه داشته باشد.

به نظر می رسد استان خراسان رضوی و شهر مشهد به دلیل جمعیت زیاد و همچنین وجود دانشگاه های معتبر علوم پزشکی، نمادی از گرایش شدید به رشته تجربی و پزشکی در ایران باشد. با توجه به آمارهای موجود، تمایل وانتخاب رشته پزشکی وتجربی در مشهد و خراسان رضوی نیز کاملاً همسو با روند کشوری، به شدت بالاست و گرایشی افراطی به این رشته ها مشاهده می شود. آمارها به وضوح نشان می دهند که گروه علوم تجربی بیشترین شرکت کنندگان کنکور را در خراسان رضوی و مشهد به خود اختصاص داده است. به طوری که، درکنکور سراسری ۱۴۰۴، از حدود ۶۴هزار داوطلب در خراسان رضوی، ۳۶هزارو ۳۳۱ نفر درگروه علوم تجربی به رقابت پرداخته اند. این رقم درمقایسه با سایر گروه های آزمایشی (مانند ۷ هزارو ۲۸۸ نفر در علوم ریاضی و ۸ هزارو ۶۵۳ نفر در علوم انسانی) بسیار چشمگیر است. این موضوع را در حالی شاهد هستیم که حوزه امتحانی دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان یکی از حوزه های بزرگ امتحانی کشور، نیز همین الگو را نشان می دهد. از ۲۵ هزارو ۶۸۹ داوطلب در این حوزه، ۱۰هزارو ۳۶۶ نفر درگروه آموزشی علوم تجربی شرکت کرده اند که باز هم رقم درخورتوجهی است.

با بررسی این آمارها، می توان به دلایل مختلفی ازجمله منزلت اجتماعی، تضمین شغلی ودرآمدی، تأثیرات فرهنگی و خانوادگی و شناخت ناکافی از سایر رشته ها رسید که جالش های مختلفی همچون نبود توازن در نیروی متخصص، فرسایش روانی دانش آموزان و کاهش کیفیت در رشته های دیگر را به همراه دارد. به نظر می رسد خانواده ها و دانش آموزان به پزشک شدن به عنوان نمادی از موفقیت اجتماعی و احترام نگاه می کنند. نگرانی از بیکاری در سایر رشته ها و جذابیت درآمد خوب و امنیت شغلی رشته های پزشکی، از عوامل اصلی است. اما آنچه نمود بیشتری دارد، این است که «دکتر شدن» فرزند، همچنان یک آرزوی رایج در بین خانواده هاست و فشار و تشویق والدین نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند. ازسوی دیگر متأسفانه، اطلاعات ناکافی درمورد فرصت های شغلی وآینده سایر رشته ها باعث می شود دانش آموزان و والدین گزینه های دیگر را به اندازه کافی جذاب ندانند. این موضوع باعث می شود کمبود نیرو در بخش های دیگر مانندصنعت، کشاورزی وفناوری که برای توسعه استان حیاتی هستند، ایجاد شود. همچنین، رقابت شدید و اضطراب ناشی از آن برای تعداد زیادی از دانش آموزانی که در این رقابت موفق نمی شوند، مشکلات بی شماری را ایجاد می کند. علاوه بر این، کاهش انگیزه و کیفیت در سایر رشته های دانشگاهی به دلیل هدایت استعداد های برتر به سمت تجربی، از دیگر چالش هایی است که در این حوزه ایجاد می شود.

به نظر می رسد یکی از مهم ترین راهکارها، برنامه ریزی دقیق و بلندمدت برای تعیین نیازهای نیروی انسانی در حوزه های مختلف (از طریق همکاری وزارت علوم، وزارت کار، صنعت و سایر نهاد ها) و تنظیم ظرفیت پذیرش دانشگاه ها براساس این نیازهاست. همچنین، سرمایه گذاری بیشتر برای تحقیق و توسعه در تمامی حوزه ها و ایجاد بسترهای مناسب برای نوآوری و خلق دانش باید صورت گیرد تا فارغ التحصیلان سایر رشته ها نیز با فرصت های شغلی روشن پیش رو داشته باشند. علاوه بر این، اقداماتی همچون ایجاد مشوق های مالی و امنیت شغلی برای فارغ التحصیلان سایر رشته های مورد نیاز کشور، از طریق حمایت از شرکت های دانش بنیان، کارآفرینی و ایجاد فرصت های شغلی پایدار درکنارتلاش برای ارتقای منزلت اجتماعی سایر مشاغل در جامعه، از طریق کار رسانه ها، برنامه های آموزشی و سیاست گذاری های دولتی باید انجام شود. می توان با تأکید بر نقش حیاتی مهندسان، هنرمندان، کشاورزان و دانشمندان علوم پایه در پیشرفت کشور، این منزلت را افزایش داد. در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که گرایش افراطی و بسیار دانش آموزان به رشته تجربی و پزشکی، نیازمند توجه جدی و برنامه ریزی هدفمند برای ایجاد توازن در هدایت تحصیلی و شغلی دانش آموزان است تا ضمن حفظ کیفیت در رشته های پزشکی، سایر بخش های مورد نیاز برای توسعه جامع و پایدار استان نیز از نیروی انسانی متخصص و توانمند بهره مند شوند.

بازتاب

علوم پایه در انزوا

مدتی است که هشدارهای جدی ازسوی متخصصان واستادان دانشگاه درباره پیامدهای کاهش علاقه دانش آموزان به تحصیل درگروه ریاضی فیزیک شنیده می شود. بااین حال، دانش آموزان و خانواده هایشان همچنان به خیل مشتاقان رشته های علوم تجربی می پیوندند و هر ساله پشت دروازه های کنکور تجربی صف می کشند. اما چه شد که جامعه ای که در دهه های گذشته، تحصیل در رشته ریاضی فیزیک رایک ارزش تلقی می کرد، اکنون چنین چرخشی را تجربه می کند؟ آیا جامعه به سوی علقلایت بیشتر حرکت کرده است و در انتخاب رشته تحصیلی با دقت و وسواس بیشتری تصمیم می گیرد؟

خبرگزاری ایرنا در این باره با محمد باقر اسدی، رئیس دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر دانشگاه تهران، گفت وگو کرده است. اسدی با تأکید بر اینکه بدون تربیت نخبگان در حوزه های ریاضی و علوم کامپیوتر، دستیابی به استقلال علمی واقتصادی ناممکن خواهد بود، اظهار کرد: در ایران، این روند به دلایلی همچون ضعف نظام آموزشی، کم ارزش دانستن علوم پایه در رسانه ها وآینده شغلی نامشخص، تشدید شده است.

اوبابیان اینکه، به شکل آشکاری عوامل متعددی در کاهش علاقه جوانان به علوم پایه نقش دارند، افزود: این رشته ها به ویژه ریاضی مستلزم صبر، تلاش مداوم و تفکر عمیق است، درحالی که نسل امروز تحت تأثیر فرهنگ «فست فودی» و شبکه های اجتماعی، به دنبال نتایج سریع و راه های کم زحمت است. اسدی اضافه کرد: همچنین ارزش های اجتماعی در بسیاری از جوامع ازجمله ایران، به سوی ثروت و شهرت سریع مانند اینفلوئنسر شدن یا کسب وکارهای پرسود گرایش پیدا کرده و جایگاه علم و پژوهش تضعیف شده است. وی معتقد است: دسترسی گسترده به منابع آموزشی از طریق اینترنت، پلتفرم ها، ویدیوها، کتاب های دیجیتال و دوره های مجازی و برخط، باعث شده است که نسل جدید بتواند مستقل از چارچوب های سنتی مدرسه به یادگیری بپردازد.

رئیس دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر دانشگاه تهران در پاسخ به این سؤال که مهم ترین عوامل مؤثر بر کاهش علاقه به رشته های علوم پایه درکشورمان کدام اند، نخستین عامل را اقتصادی خواند و افزود: متأسفانه این رشته ها در جامعه بازار کار محدود دارند و مشاغل مرتبط با علوم پایه، به ویژه ریاضی محض، نسبت به رشته های کاربردی درآمد کمتری دارند. اسدی همچنین نبود ارتباط میان دانشگاه و صنعت را یکی از عوامل مهم افزایش حجم بیکاری رشته های علوم پایه بیان کرد و گفت: فقدان نظام حمایت از پژوهشگران، باعث شده است که خروجی این رشته ها در بازار کار، کاربرد چندانی نداشته باشد. وی در ادامه دومین عامل کاهش علاقه به رشته های علوم پایه را عامل فرهنگی واجتماعی دانست و در توضیح بیشتر افزود: متأسفانه وجود یک نگرش منفی به ریاضی باعث شده است بسیاری از افراد ریاضیات را سخت، بی کاربرد و خشک تلقی کنند.